

## گردشگری، صلح و همگرایی منطقه‌ای مورد مطالعه: کشورهای ساحلی خلیج فارس

فرامرز بریمانی<sup>۱</sup>، فاطمه حجوانی<sup>۲</sup>

### چکیده

در شکل سنتی از روابط بین‌الملل، دولت‌ها کنشگران اصلی عرصه بین‌الملل شناخته می‌شوند. آنان هستند که تصمیم به صلح و یا جنگ می‌گیرند، اما با پیچیده‌شدن فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی دولت‌ها با به کارگیری متخصصان فن‌سالار در پوشش نهادهای فراملی گردهم می‌آیند تا در پیوند با هم به عنوان بازیگران کنش‌ورز زمینه ساز تشکیل اتحادیه جدید و در نهایت تحکیم همگرایی و صلح منطقه‌ای شوند. در شرایط امروزی، که اتحاد جماهیر شوروی سابق فرو پاشید و جنگ سرد نیز تا حدودی فرو نشست این سوال‌ها مطرح می‌گردد، در دوره فراملی بازیگران اصلی همگرایی و صلح چه کسانی خواهند بود؟ بستر فعالیت برای رسیدن به صلح کدام است؟ آیا الگویی نسبتاً موفق وجود دارد؟ در پاسخ به این سوال‌ها، این پژوهش با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات نگارنده و به شیوه تفسیری و تحلیلی انجام گرفت. منطقه مورد مطالعه نیز کشورهای ساحلی خلیج فارس است. نتایج به دست‌آمده نشان می‌دهد؛ در عصر فراملی، کنشگر و یا بازیگر اصلی در انتخاب دولت، صلح و همگرایی، مردم یا شهروندان هستند. البته نسل جوان امروز در بستری از فعالیت گردشگری بیشتر از سالمندان آگاهی لازم را برای نقش‌آفرینی به دست خواهند آورد. جوانان امروز، کارگزاران فرهنگ، سیاست و اقتصاد فردا برای کشورهای خود خواهند بود. بنابراین می‌توان از چنین بستری از فعالیت (گردشگری) و گروه‌های سنی (جوانان) و با تکیه بر تجربیات جهانی از الگو طرح دوستی (فرانکو-ژرمن) برای همگرایی و صلح منطقه‌ای در بین کشورهای ساحلی خلیج فارس بهره جست.

**کلید واژگان:** گردشگری، صلح، همگرایی، کشورهای ساحلی، خلیج فارس

۱- استاد گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران

۲- کارشناسی‌ارشد زبان انگلیسی دانشگاه کمیتز آلمان

## مقدمه

جهان در سده اخیر، جنگ‌های متعددی را تجربه کرده است. تنها از سال ۱۳۴۵ تا کنون در حدود ۱۳۰ جنگ به وقوع پیوسته است. به دنبال آن حوادث ناگوار، سازمان ملل متحد (۱۳۴۵-۱۹۴۱)، و ۳۱ موسسه‌ی وابسته به آن، همچنین سازمانها و مجامع متعدد (محبوب و یآوری، ۱۳۶۲: ۴۳۹-۴۲۷) در مقیاس منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای (موسی زاده، ۱۳۸۶: ۲۸۳-۲۵۵) شکل گرفت تا سازمان‌دهنده جهانی پر از آشوب باشد. گرچه از بروز جنگ جهانی جلوگیری گردید، اما در طی دوران جنگ سرد (۱۹۵۰ تا ۲۰۱۰)، جنگ هم‌چنان در بسیاری از کشورها نظیر ایران، عراق، بوسنی و هرزگوین، افغانستان، عراق، سوریه، یمن و... بوده و از کشوری به کشور دیگر سایه افکنده است و خسارت‌های مالی، جانی و زیست محیطی فراوانی بر آن تحمیل نموده است. ترس ناشی از وقوع جنگی دیگر، موجب می‌شود تا همه کشورها هر ساله مبالغ هنگفتی از بودجه خود را صرف آزمایش، خرید، انبارکردن و نگهداری تسلیحات نظامی کنند به این بهانه که در برابر جنگ احتمالی آمادگی دفاعی کامل داشته باشند؛ در حالی که معلوم نیست اصولاً جنگی صورت گیرد و در صورت وقوع نیز ممکن است این سلاح‌ها کاربرد چندانی نداشته باشند (عزتی، ۱۳۷۳: ۵۱). حتی، قدرت‌های بزرگ جهان را هم وا می‌دارد تا به سلاح هسته‌ای وابسته باشند، و یا در واکنش نسبت به تهدیدات نیز دست به اتحاد با یکدیگر بزنند (دوئوتی جیمز و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۶۹۵). در چنین فضای رقابتی، موقعیت جغرافیایی کشورها از جمله ایران برای مردم پر هزینه بوده است. ارائه شواهد در این مقال نمی‌گنجد. تنها در یک مورد، هنگامی که آمریکا معاهده "سالت ۱" را با شوروی توافق و امضا کرد و مقدمات معاهده "سالت ۲" نیز فراهم شده بود، آمریکا برای اطمینان از انجام تعهدات شوروی سابق امکاناتی را فراهم آورده بود تا فعالیت شوروی را دائماً رصد کند. بدین منظور پایگاه‌های شنود متعددی را احداث کرد که دور کبکان، بهشهر و چالوس نمونه‌های از آن در سواحل دریای خزر است و از این طریق هزینه‌ای بسیار گزاف بالغ بر ۲۴ میلیارد دلار بر ایران تحمیل شد. نکته مهم‌تر این‌که، این اقدام در پوشش برنامه‌های صلح انجام گرفته است. به عنوان نمونه:

- برنامه‌ی صلح گورخر (Peace Zebra Program)، برنامه‌ی صلح آسمان (Peace Sky Program) و برنامه‌ی صلح آسمان (Peace Sky Program) (مهرنامه، ۱۳۹۳: ۶۲).

این شواهد هرچند کوتاه نشان می‌دهد، در شکل سنتی از روابط بین الملل، دولت‌ها کنشگران اصلی عرصه بین‌الملل شناخته می‌شوند. آنان هستند که تصمیم به صلح و یا جنگ می‌گیرند، اما با پیچیده شدن فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی دولت‌ها در پوشش نهادهای فراملی (سازمان یا اتحادیه‌ها) گردهم می‌آیند در نتیجه، از این منظر هزینه‌های ناشی از چنین اقدامی از سوی دولت‌ها که نوعی همگرایی محسوب می‌شود قابل توجیه بود. در شرایط امروزی، که اتحاد

جماهیر شوروی سابق فروپاشید و جنگ سرد نیز تا حدودی فرو نشست نوع جدیدی از همگرایی حس می‌گردد که در آن بازیگران اصلی دولت و سازمان‌ها نباشند.

### سوال اصلی تحقیق

- در عصر فراملی بازیگران اصلی همگرایی و صلح چه کسانی خواهند بود؟ و کدام الگوی همگرایی را می‌توان به عنوان آلترناتیو جدید انتخاب کرد؟
- بازیگران جدید (مردم یا شهروندان) در کدام بستر از فعالیت می‌توانند به صلح و همگرایی کمک کنند؟ و کدام گروه سنی از جمعیت می‌تواند به عنوان گروه هدف تعیین گردد؟

### مبانی نظری

صلح یک آرمان انسانی و جهانی است (MidulWsher, 2010: 353)، و از پتانسیل اثرگذاری نسبتاً زیاد برای صلح جهانی برخوردار است (ضرغام بروجنی و خسروانی دهکردی، ۱۳۹۱: ۴۶)، و از این زاویه، گردشگری (جهانگردی) به عنوان نیروی آلترناتیو (جایگزین) جدیدی شناخته می‌شود و بعضاً از آن به عنوان یک نیروی حیاتی در جهت دستیابی به صلح (Goldner, 1989, p. 166) (D'Amore L., 1988, p. 151) و یا ژنراتور صلح یاد می‌کنند (Litvin, 1988, p. 63). این امر تنها از طریق گردشگری بین نسلی به عنوان وسیله‌ای برای ترویج صلح ممکن است (Leitner, 1999, p. 53). زیرا این باور وجود دارد که تماس با دیگر فرهنگ‌ها منجر به درک بیشتر و محبت بین نیروهای فرهنگی می‌گردد (Pizam, Jafari, & Milman, 1991) (Anastasopoulos, 1992)، و از این طریق، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی کاهش می‌یابد (شالچیان، ۲۱). در همین راستا کیم (Kim & Prideaux, 2003, p. 675) اشاره می‌کنند که تعدادی زیادی از محققان بر این نظریه هستند که گردشگری محتملاً می‌تواند به عنوان یک نیروی مثبت در جهت کاهش تنش و سوء ظن در روابط بین الملل و صلح جهانی به شمار بیاید (Hobson & Ko, 1994) (Hall, 1994) (D'Amore L., 1988). در کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (CSCE) که در سال ۱۳۷۹ در هلسینکی برگزار گردید، نیز به نقش گردشگری به عنوان یک استراتژی مهم و وسیله‌ای برای پرورش صلح در این کنفرانس پرداخته شد که می‌توان آن را از اولین تلاش‌ها در پذیرش این رویکرد دانست (Etter, 2007). در نهایت از سوی سازمان جهانی گردشگری (WTO)، گردشگری به عنوان نیرویی پر قدرت برای بهبود روابط و تفاهم بین‌المللی و مشارکت در صلح میان همه ملت‌های جهان معرفی شده است (UNWTO 2006). در این رویکرد، مردم به صورت عامل یا کنش‌گر ظاهر می‌شوند آن‌گاه صلح از طریق گردشگری بین نسلی ممکن می‌گردد. با این حال برخی از

مطالعات تجربی در قوت این نظریه تردید، و حتی آن را با ابهاماتی مواجه می‌سازد (LEITNER, 1999: 5336).

این نقش مثبت (صلح) از گردشگری در چهارچوب نظری همگرایی منطقه‌ای قابل تبیین است. به نظر جیمز کاپوراسو<sup>۱</sup> و آلن پلوفسکی<sup>۲</sup> (۱۹۷۵)، همگرایی یعنی تکوین ساختارها و کارکردهای جدیدی در سطح نظام جدیدی که به لحاظ جغرافیایی یا کارکردی وسیع‌تر از نظام قبلی است. شکل‌گیری سازمان ملل متحد، سازمان‌های منطقه‌ای و فرا منطقه، نمونه بارزی از این نظام‌های جدید با کارکردهای وسیع است به طوری که، براساس بند ۱ ماده اول منشور، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی جزئی هدف اصلی سازمان ملل متحد به شمار آمد (ینگجه، ۱۳۷۳: ۱۸۵). با پذیرش برخی ناکامی‌ها، این باور وجود دارد که این سازمان موجب پیدایش ثبات در اقصی نقاط بحران زده‌ی دنیا شده است (Boutros Ghalli, 1992: 28). متخصصین علوم سیاسی و روابط بین‌الملل با استفاده از رویداد در اروپا تلاش کردند تا با مطالعه رفتار بازیگران آن‌ها را در چهارچوب مدلی بیان کنند.

دیوید میترانی<sup>۳</sup> با نگاه کارکردگرایی (در سال‌های میان دو جنگ جهانی و پس از جنگ جهانی دوم) استدلال می‌کند که پیچیدگی فزاینده‌ی نظام‌های حکومتی، وظایف اساسا فنی و غیر سیاسی حکومت‌ها را افزایش داده است. این وظایف نه تنها باعث ایجاد نیاز به متخصصین کاملا کارآزموده در سطح ملی شده‌اند بلکه در سطح بین‌المللی هم مسائل اساسا فنی را به وجود آورده‌اند که حل آن‌ها مستلزم همکاری فن شناسان و نه نخبگان سیاسی است (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۶۶۶):

پیچیدگی فرآیندهای اجتماعی ← افزایش وظایف غیر سیاسی در جامعه و قوت گرفتن

نقش متخصصان ← همکاری‌های متخصصان فروملی در عرصه فراملی ← پیدایش و

افزایش نهادهای همکاری بین‌المللی ← پیدایش همکاری‌ها و هم‌گرایی اقتصادی

نمودار شماره: ترتب ضروری گرایش‌های هم‌گرایی از دیوید میترانی (ماخذ: سیف زاده، ۱۳۸۴: ۳۸۸).

براساس مدل فوق نوعی جبر کارکردی موجب همگرایی منطقه‌ای می‌گردد در حالی که، نوع کارکردگرایان همچون ارنست هاس<sup>۴</sup> (۱۹۶۴) و اشمیتز<sup>۵</sup> (۱۹۶۴)، جوزف نای<sup>۶</sup> (۱۹۷۱)، کوهن<sup>۷</sup> (۱۹۷۳)، و اتزیونی<sup>۸</sup> (۱۹۶۹) ضرورت همگرایی را با تأکید بر اراده انسان به گونه دیگری

1 - Alan L, Pelowski

2 - James A, Caporaso

3 - David Mitrany

4 - Ernest B. Haas

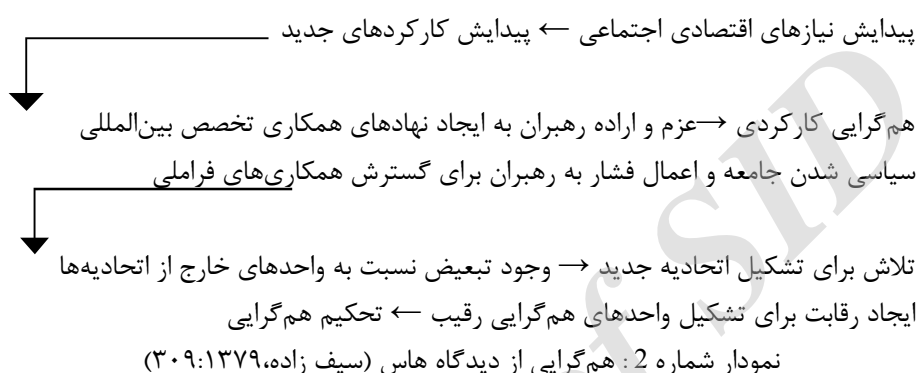
5 - Philip C. schmitter

6 - Nay, Joseph S

7 - Cohen, Benjamim

8 - Etzioni, Amitani

مدل‌سازی کرده‌اند و نشان داده‌اند، علاوه بر نیاز و عزم اراده رهبران، جامعه نیز از طریق سیاسی شدن و اعمال فشار به رهبران برای گسترش همکاری‌های فراملی به عنوان بازیگران کنش‌ورز زمینه‌ساز تشکیل اتحادیه جدید و در نهایت تحکیم همگرایی می‌شوند:



### طرح فرانکو-ژرمن<sup>۱</sup> الگوی نظری برای صلح و همگرایی منطقه

۱۸ سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، آلمان و فرانسه پیمانی را امضا کردند که به دلیل مکان امضای قرارداد در پاریس، به پیمان الیزه "Elysée Treaty" مشهور گردید. در واقع این سند، علی‌رغم مختصر بودن، به عنوان یک نقطه عطف آشتی محسوب می‌شود (Riegert, 2013). علاوه بر آن، از این قرارداد با عناوینی همچون Franco-German Cooperation Treaty (پیمان همکاری آلمان و فرانسه) و یا Franco-German Friendship Treaty (پیمان دوستی فرانسه و آلمان) هم یاد می‌شود (Krotz, 2002, p. 3). بدین ترتیب پیمان الیزه یک معاهده دوستی بود که میان فرانسه و آلمان غربی، در تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۹۶۳ در کاخ الیزه در پاریس توسط رئیس‌جمهور شارل دوگل و صدراعظم کنراد آدناور به امضا رسید. متعاقب آن، فرانسه و آلمان روابط بین‌حکومتی خود را از سه طریق گسترش داده و تشدید کردند.

اول، آن‌ها به طور وسیعی "اجلاس مشورتی سران" میان دو دولت را بر اساس معاهده الیزه توسعه بخشیدند. نشست‌هایی که در ابتدای امر در میان صدراعظم آلمان، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و تعداد انگشت شماری از وزرای کارا بود، رفته رفته به صورت فزاینده‌ای رشد پیدا کرد، به طوری که مثلاً در سال ۱۹۸۰ نشست شامل تقریباً تمام وزرا و کارمندان دولت در تمام رده‌ها بود.

1 - Franco-German

دوم، آن‌ها پروتکل‌ها، نامه‌ها و یادداشت‌هایی به پیمان الیزه ضمیمه کردند که روابط متقابل و دوجانبه بین دو کشور را توسعه می‌بخشید. این اقدام از یک سو به طور رسمی روابط دوجانبه فرانسه و آلمان را به حوزه سیاست و حتی حوزه‌هایی که در ابتدای امر در سال ۱۹۶۳ در قرارداد به صراحت ذکر نشده بود، گسترش داد. از سوی دیگر، تعامل بین فرانسه و آلمان در زمینه‌های سیاسی که پیمان الیزه پوشش می‌داد، تنظیم و حتی تشدید شد.

سوم، تعریف نهاد و کمیسیون‌های (شورای) مشترک شامل کمیسیون دفاع، کمیسیون اقتصاد و دارایی، کمیسیون فرهنگ، کمیسیون محیط زیست و حوزه سیاست.

### آموزش و جوانان

در کمیسیون فرهنگ، جوانان و آموزش آن‌ها در کانون توجه قرار گرفت بر اساس آن:

۱- در زمینه آموزش و پرورش

(الف) آموزش زبان: دو دولت به اهمیت حیاتی دانستن زبان هر یک از دو کشور برای همکاری فرانسه و آلمان پی برده و تلاش خواهند کرد که با این هدف ذهنی، گام‌های مشخصی بردارند که منجر به افزایش تعداد کودکان مدارس آلمانی که به یادگیری زبان فرانسوی مشغول خواهند شد و نیز افزایش تعداد دانش آموزان مدارس فرانسوی که زبان آلمانی یاد می‌گیرند، شود. در این راستا امکان معرفی یک سیستم که دستیابی به این هدف را برای همه دانش آموزان ممکن می‌سازد، بررسی خواهد شد.

(ب) مشکلات معادل‌سازی: از مقامات ذی‌صلاح در هر دو کشور خواسته خواهد شد تا به تصویب ترتیباتی برای همگن‌سازی امتحانات، جوایز دانشگاهی و مدارک تحصیلی سرعت ببخشند.

(ج) همکاری در زمینه تحقیقات علمی: سازمان‌های پژوهشی و نهادهای علمی باید تماس‌های خود را جهت بیشترین امکان تبادل اطلاعات توسعه بخشیده و برنامه‌های تحقیقاتی هماهنگی را در رشته‌هایی که در این امر در آن‌ها امکان‌پذیر است، تنظیم نمایند.

۲. برای افراد جوان در دو کشور این امکان فراهم خواهد شد تا از هر فرصتی برای افزایش همکاری متقابل استفاده کنند. به طور خاص، مبادلات جمعی افزایش خواهند یافت. بدنه و سازمانی برای توسعه این فرصت‌ها و تقویت لینک‌های دو کشور ایجاد خواهد شد تا این همکاری‌های مشترک را افزایش دهد. البته این سازمان توسط دو کشور با یک شورا یا سرپرستی واحد تأسیس خواهد شد. برای این نهاد یک صندوق مالی مشترک بین فرانسه و آلمان ایجاد می‌گردد تا برای تبادل دانش آموزان، دانشجویان، هنرجویان جوان و کارگران بین دو کشور از آن استفاده شود. (Krotz, 2002, p. 6). در ادامه این روند، فرانسه و آلمان در ۲۲ ژانویه ۱۹۸۸ با مبادله یادداشت

بین وزرای خارجه دو کشور، شورای فرهنگی فرانسه و آلمان را بنا نهاده‌اند. این شورا به منظور اشتراک گذاشتن هنر و فرهنگ برای همکاری فرانسه و آلمان طراحی شده بود و به طورخاص دارای سه هدف بود:

- توصیه به فرانسه و آلمان جهت فعالیت‌های فرهنگی مشترک

- چگونگی پشتیبانی از چنین برنامه‌هایی و نهایتاً؛

- ارائه اطلاعات به مردم در زمینه فعالیت‌های فرهنگی در چارچوب پیمان همکاری آلمان و فرانسه.

در طول سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ شورا فعالیت‌هایی از جمله ویرایش کتاب‌هایی در روابط تاریخ فرانسه و آلمان، سازماندهی جوایزی برای دستاوردهای روزنامه‌نگاری در مسائل فرانسه و آلمان، حمایت از تبادلات فرهنگی سه جانبه بین فرایبورگ، نانت، و کراکو، و همچنین تبادل هنرمندان بین باواریا (ایالت بایرن آلمان) و فرانسه داشت. این شورا همچنین کمک هزینه‌های تحصیلی برای هنرمندان جوان در زمینه‌هایی از جمله نوشتن، عکاسی، نقاشی، بازیگری و کارگردانی با هدف سپری کردن یک سال در کشور دیگر را تقبل کرد. همانطوری که Jacques Morize دبیر کل شورای فرهنگی فرانسه و آلمان اشاره می‌کند، شورای همکاری‌های فرهنگی در خدمت یک هدف روشن است. هدف، پاسخگویی به پرسش نسل‌های آتی در قبال دستاوردهای آلمان و فرانسه است و نیز ممانعت از نتیجه‌گیری نسل آتی مبنی بر اینکه این روابط، پیش پا افتاده هستند

به دنبال این تصمیم سازی و تصمیم گیری بود که در مقیاس وسیع‌تری، جوانان اروپایی با کوله پشتی‌هایی بر دوش، پای پیاده، از خانه‌ها و کاشانه‌های خود به خیابان‌ها ریختند و به سوی مرزها هجوم آوردند. هجوم آن‌چنان گسترده بود که نگهبانان مرزی توان کنترل آن‌ها را نداشتند. جوانان به طور قانونی و غیر قانونی از مرزها گذشتند و در خاک دیگر کشورها، در راه‌ها و بزرگراه‌ها به انتظار نشستند تا راننده یک خود رو آن‌ها را بی دریافت کرایه از جایی به جای دیگر ببرد. مقصد روشنی هم نداشتند، مقصد آن‌ها "رفتن" بود. آن‌ها از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر می‌رفتند. سرزمین اروپا شاهد موج زدن این جوانان سرگردان بود. در هر شهر و روستا و راه و کوره راه هر پایتخت و هر مدرسه و هر میدان در هر کجای اروپا حضور این جوانان سرگردان به چشم می‌خورد. هر کس از این سرزمین و دیار دیگر آمده بود. آن‌ها خودشان هم نمی‌دانستند چه می‌خواهند. مردم شهرهای اروپا هم نمی‌دانستند این‌ها کیستند و از کجا آمده‌اند. ولی هر که بودند و هر چه می‌خواستند، چهره اروپا را دگرگون کرده بودند (دیباچی<sup>۱</sup>، ۱۳۷۱: ۱۸).

۱- دیباچی بر این باور است این موج جابجایی در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ اتفاق افتاده است اما به نظر نگارنده این رخداد به دنبال طرح دوستی فرانکو و انجام گرفته است.

### روابط آلمان و فرانسه موتور محرک یک پارچه‌سازی اروپا

بر اساس نظر سودهولتر<sup>۱</sup> (Südhölter, 2014, p. 6) پروژه‌های دوجانبه و ابتکارات خلاقانه در همکاری‌های پویا و دینامیک، نهایتاً منجر به مجتمع‌سازی و یک‌پارچگی اتحادیه اروپا شد. با این حال تغییرات اساسی در جغرافیای سیاسی نه تنها فرانسه و آلمان، بلکه کل اروپا را با چالش جدیدی مواجه ساخت. این تغییر تاریخی در نظم جهانی نه تنها موجب کاهش اهمیت دو کشور به عنوان دولت-ملت نشد، بلکه باعث افزایش نقش اروپا هم شد. به طوری که پس از گذشت بیش از پنجاه سال از قرار داد الیزه، امروزه این قرار داد نه تنها چیزی مهم‌تر از صرفاً یک قرارداد بین دو کشور بزرگ اروپایی است، بلکه سازگار با مناسبات جهان در حال تغییر محسوب می‌شود. این پیمان مشخصاً در دوران سخت و دشوار و جنگ‌زده به ظهور یک جهان چند قطبی کمک کرد و درعین حال نمایان‌گر یک مدل جذاب همکاری مشترک برای مقابله با چالش‌های اقتصادی و یک-پارچه‌سازی اروپای در حال رشد نیز بود. مسیر حرکت به سمت پیمان ماستریخت و اتحادیه سیاسی اروپا به شدت تحت‌تأثیر پروژه‌های فرانسه و آلمان بود. چنین علاقه‌ای در حرکت در این مسیر در پیشنهاد صدر اعظم کهل و رییس‌جمهور میتران برای راه‌اندازی یک اتحادیه سیاسی علاوه بر اتحادیه اقتصادی کاملاً مشهود است (Defrance & Pfeil, 2013, pp. 189-192). در کنار این پیشنهاد می‌بایست به تلاش این دو در همراه‌سازی و متقاعد کردن دولت‌مردان و مقامات دو کشور برای ایجاد چنین اتحادیه‌ای در بعد سیاسی هم اشاره کرد (Woyke, 2004, p. 41). آن‌ها هم-چنین ایده ایجاد یک شورا در حیطه وزارت داخلی و وزارت دادگستری را پیگیری کردند. علاوه بر این، این دو به بحث معرفی شهروندان اتحادیه اروپا و ابتکارات عمل در مشترکات بین وزرای خارجی دفاع و امنیت در سطح اتحادیه اروپا پرداختند. بدیهی است که هر دو بازیگر سیاسی انگیزه‌های مختلفی را برای ورود به بحث یک‌پارچه‌سازی اروپا دنبال می‌کردند. به عنوان مثال فرانسه ترس عمیقی از عظمت آلمان پس از اتحاد آلمان شرقی و غربی داشت که می‌توانست با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی خود به رهبری جدیدی برای اروپا مبدل شود و این طرح می‌توانست آلمان را از سطح رهبری به یک بازیگر در دل اتحادیه اروپا مبدل کند (Manfrass-Sirjacques, 1992, p. 275). همین ترس نهایتاً به طرفداران پیمان ماستریخت کمک کرد تا در همه پرسى به نفع پذیرش پیمان ماستریخت رای دهند و در واقع فرانسه بدین‌ترتیب سیاست تعادلی از طریق اعتماد را برگزید. به دنبال آن رییس‌جمهور میتران در ادامه روندی که موجب پیمان ماستریخت شده بود، نشست سران در استراسبورگ را به نشستی در جهت ایجاد یک واحد پولی مشترک سوق داد.

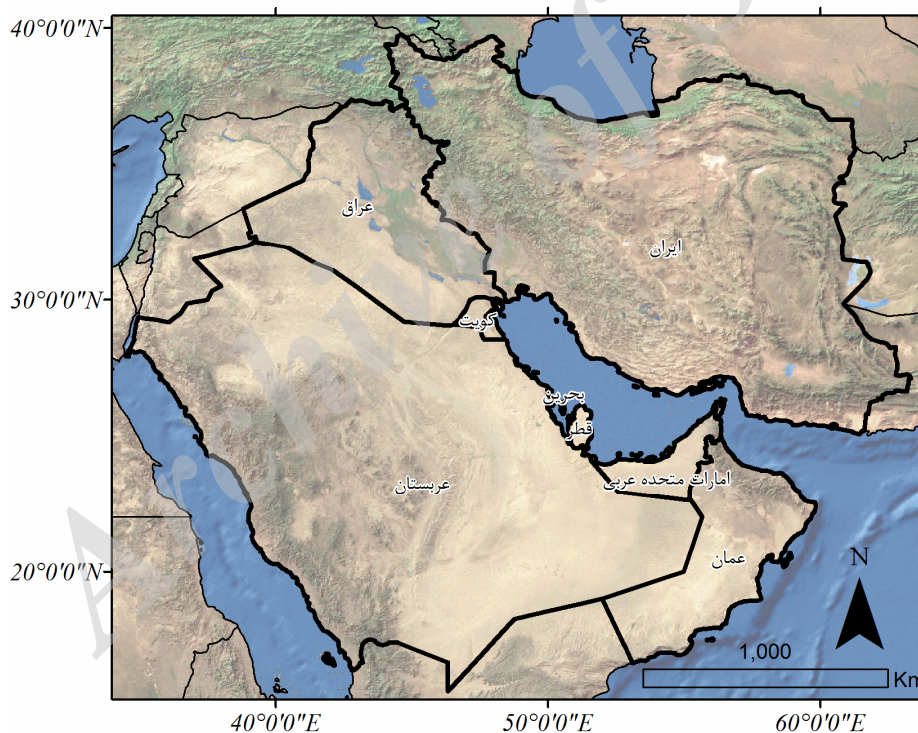
1 - Südhölter



## روش تحقیق و منطقه مورد مطالعه

این پژوهش از نوع توصیفی و تبیینی است که بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهداتی مبتنی بر سفرهای میدانی از کشورهای مختلف تدوین گردید. هدف این پژوهش، جستجوی سمنتی (sement) برای چسبندگی، هم‌گرایی منطقه‌ای و صلح در بین جوامع است.

منطقه مورد مطالعه کشورهای ساحلی خلیج فارس است که شامل گرچه تمامی کشورهای سواحل خلیج فارس به لحاظ طبیعی و میراث تاریخی و فرهنگی مهم هستند، لیکن ایران به جهت دسترسی به آب‌های گرم، سواحل جنوبی آن از وضعیت بهتری نیز برخوردار است (بریمانی و اسماعیل نژاد، ۱۳۸۷: ...). به عبارتی در فصول سرد که منابع آبی روسیه یخ می‌زنند، آب‌های گرم سواحل جنوبی (خلیج فارس و دریای عمان) شرایط مناسبی را برای گردشگری عرضه می‌کند.



شکل ۱: موقعیت کشورهای ساحلی خلیج فارس

متطابق شکل ۱، هشت کشور در همسایگی جنوب ایران، دارای اشتراکات فرهنگی و تاریخی هستند. افزون بر آن خلیج فارس با دارا بودن ذخایر صید ماهی و معدنی (نفت) و سهم بزرگی از آن‌ها

از آن، در کانون توجه قرار دارد. در دنیای امروز که گردشگری به طور اعم و گردشگری دریایی به طور خاص چشم‌انداز روشنی پیدا کرده است، سواحل خلیج فارس می‌تواند با تکیه بر این اشتراکات و منافع، ابزار مناسبی برای تحول و همگرایی منطقه باشد. بر اساس گزارش. [worldometers.info](http://worldometers.info) جمعیت هشت کشور ساحلی خلیج فارس، حدود ۱۶۷/۳ میلیون است که حدود ۸۰/۲ درصد آن در مناطق شهری زندگی می‌کنند. با توجه به جمعیت، منطقه دارای وزن مناسبی برای گردشگری است (جدول ۱). گرچه ساختار سیاسی و اجتماعی کشورها منطقه به گونه‌ای است که از ظرفیت‌های گردشگری استفاده نمی‌شود لیکن در شرایط نسبتاً خوب (۲۰۱۰) حدود ۲۸/۸ میلیون گردشگر خارجی داشته است که سهم ایران ۲/۹ میلیون بوده است. (جدول ۲).

جدول ۱. جمعیت کشورهای ساحلی خلیج فارس

مناطق	جمعیت سال ۲۰۱۸	سهم جمعیت شهری
ایران	۸۲۰۱۱۷۳۵	۷۴
عراق	۳۹۳۳۹۷۵۳	۷۰
کویت	۴۱۹۷۱۲۸	۸۸
عربستان	۳۳۵۵۴۳۴۳	۷۷
بحرین	۱۵۶۶۹۹۳	۸۰
قطر	۲۶۹۴۸۴۹	۹۱
امارات	۹۵۴۱۶۱۵	۹۰
عمان	۴۸۲۹۹۴۶	۷۲
جمع	۱۷۷۷۳۵۷۵۳	۸۰/۲

(World Population.(2018,14, March)

<http://www.worldometers.info>, Retrieved from

جدول ۲. تعداد گردشگر وارده و روند تغییر آن طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴

کشور / سال	(۱۰۰۰)			
	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۰
ایران	-	۴۷۶۹	۳۸۳۴	۲۹۳۸
عراق	-	۸۹۲	۱۱۱۱	۱۵۱۸
کویت	-	۳۰۷	۲۰۳۰	۲۰۱۷
عربستان	۱۶۰۹۸	۱۳۳۸۰	۱۴۲۷۶	۱۰۸۵۰
بحرین	-	۱۰۶۹	۱۰۱۴	۹۹۵
قطر	۲۸۲۶	۲۶۱۱	۲۳۶۶	۱۷۰۰
امارات	-	۹۹۹۰	۸۹۷۷	۷۴۳۲
عمان	-	۱۶۶۱	۱۴۳۸	۱۴۴۲
یمن	-	۹۹۰	۸۷۴	۱۰۲۶
جمع	---	---	۲۳۰۱۶	۲۸۸۹۲

(World Tourism Organization (UNWTO), 2015, p:12)

### بحث و نتیجه‌گیری

در دیدگاه مربوط به همگرایی منطقه‌ای، حاکمیت‌های جداگانه عامل محوری ستیزها به شمار می‌آیند. برای برون‌رفت از این معضل، شکل‌گیری نهادها و سازمان‌های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی و فراملی پیش‌بینی شده‌اند (قوام، ۴۱: ۱۳۸۴-۴۹)، تا این واحدهای فراملی جایگزین دولت‌های ملی شوند (هاس، ۲۹: ۱۹۶۴). یا در حد واسطه بین دولت ملی و بازیگران جهانی ایفای نقش کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۲). از دید کارکردگرایی دیوید میترا، جبر کارکردی در کشورهای مدرن موجب روی‌آوردن سیاستمداران به بازیگران جدیدی از تکنوکرات‌های فن‌سالار و بهره‌گیری از متخصصان غیر سیاسی شده است. البته این رویکرد از سوی نوکارکردگرایان نظیر ارنست هاس، اشمیتر، جوزف نای، کوهن، و ایزترابی نقد و بررسی شد و صیقل خورده است. در این دیدگاه نه تنها پیچیدگی‌های فزاینده اجتماعی و یا نیاز موجب ایجاد نهادهای جدید با عملکرد وسیع شده است و موجب ورود بازیگران جدید (مردم)، در عرصه روابط بین‌المللی گردید و سبب شکل‌گیری نوعی هم‌گرایی منطقه‌ای شده است بلکه ساختارهای سیاسی کشورها نیز در روند مردم‌سالاری حافظ صلح بوده و مردم هم از آن پشتیبانی می‌کنند با وجود این ادعا، شواهدی از جنگ در شبه جزیره بالکان، شبه جزیره کریمه و واگرایی پس از تجربه‌ای از هم‌گرایی در بین

کشورهای اروپایی وجود دارد مطالعات دویچ<sup>۱</sup> نشان می‌دهد روند هم‌گرایی در جامعه اروپا کند شده است در حالی که به نظر لیندبرگ هم‌گرایی در اواخر دهه ۱۹۵۰ ادا دچار توقف نشده و از آن زمان به بعد احتمالاً در برخی زمینه‌ها کاملاً سرعت هم گرفته است. کاپور و پلوفسکی نیز بر این باورند، جامعه اقتصادی اروپا در دهه ۱۹۶۰ با سرعت به سوی هم‌گرایی پیش رفته است (۶۸۹). مطالعات فریدریش<sup>۲</sup> (۱۹۶۹)، این نظر را تایید می‌کند و وی معتقد است، هم‌گرایی اروپای غربی از سال ۱۹۵۷ به بعد، یعنی پس از سال امضای معاهده‌ی رم و تشکیل بازار مشترک افزایش یافته است. البته نگرش افراد با توجه ویژگی‌های سنی و یا پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی و حتی پیشینه تاریخی متفاوت خواهد بود به طوری که رونالد اینگلهارت<sup>۳</sup> (۶۵-۱۹۶۴)، با مطالعه بر روی دو گروه از سالمندان و جوانان متعلق به گروه‌های مهم اجتماعی و اقتصادی در بریتانیا، فرانسه، هلند و آلمان به این نتیجه رسید که اکثر جوانان نمونه، شدیداً با وحدت اروپا موافق بوده و از آن حمایت می‌کنند در حالی که سالمندان به خصوص در فرانسه با ارتقای هم‌گرایی اروپا بسیار مخالف هستند اینگلهارت این تفاوت را با این واقعیت نسبت می‌دهد که سالمندان نمونه، جهت‌گیری سیاسی اساسی خود را در دوره‌های ملی‌گرایی کسب کرده و این گرایش‌ها را به راحتی عوض نمی‌کنند و نتیجه می‌گیرد، با توجه به اکتسابی بودن این گرایش‌ها، نسل جوان در دوره سالمندی خود در آینده از نگرش نسبتاً اروپایی برخوردار خواهد بود (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۷۰۰-۶۹۷). مطالعات کیم و کرومپتون<sup>۴</sup> (۱۹۹۰) نیز بر این باور صحنه می‌گذارد. نتایج پژوهش آنان نشان داد به موازات افزایش تماس بین مقامات دولتی و افراد با یکدیگر، از طریق بالابردن درک بین شهروندان می‌توان به اتحاد دو کشور کره شمال و جنوبی کمک کرد (Kim & Cromton, 1990)، از میان تجربه‌های موجود، الگوی فرانکو-ژرمن یا طرح دوستی می‌تواند راهنما عمل در هم‌گرایی منطقه‌ای از طریق گردشگری باشد. این الگو نشان می‌دهد؛ در سال ۱۹۶۳ دو شخصیت برجسته سیاسی اروپا از فرانسه و آلمان یعنی دوگل و آدناور با هم به گفتگو نشستند. این دو در گفتگو با یکدیگر دریافتند که دو ملت بزرگ آلمان و فرانسه به لحاظ فرهنگی از یکدیگر دور افتاده‌اند و این دور افتادگی بر فرهنگ هر دو کشور ضربه می‌زند. از این رو مصلحت دیدند که دو ملت باید با فرهنگ هم‌آشنایی بیشتری پیدا کنند. پس برای رسیدن به این مقصود راهی را برگزیدند. راهی را که آنان برای غلبه بر این بریدگی فرهنگی برگزیدند، اعطای سوبسید (پارانه گردشگری) به شهروندان برای سفر به هر کدام از این دو کشور بود. یعنی دولت آلمان به قشرهای گوناگون مردم آن کشور

1 - Karl W. Deutseh

2 - Carl J. Friedrich

3 - Ronald Inglehart

4 - Yong -Kwan Kim & John L. Crompton

به‌خصوص به دانشگاهیان و فرهنگیان و دانشجویان برای سفر به فرانسه کمک هزینه داد و دولت فرانسه هم به شهروندانش برای سفر به آلمان به این شکل اقدام نمود. جوانان دو کشور را برانگیخت تا به دیدار هم بشتابند. دانشجویان و استادان دو کشور دست‌های یکدیگر را فشردند جوانان سرگردان آن روز اروپا، امروز کارگزاران فرهنگ، سیاست و اقتصاد کشور خود هستند (جعفری، ۲۷.۲.۱۳۹۵). (<http://www.akhale.ir>). موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه نیز به گونه‌ای است که از نظر وزن جمعیتی و میراث بازار مناسبی برای گردشگری محسوب می‌شود و هم به لحاظ عرض جغرافیایی، در شرایطی که شمال منطقه به دلیل حاکمیت سرما در فصول سرد تقاضا برای گردشگری وجود ندارد در ایران به‌ویژه در سواحل جنوبی از شرایط مناسب آب و هوایی مناسب برخوردار است و تقاضا برای گردشگری وجود دارد افزون بر آن در فصول گرم، سواحل جنوبی ایران در زمره بهترین سواحل دنیا برای گردشگری به شمار می‌رود. چنان‌چه بتوان زمینه‌ی چنین تعامل منطقه‌ای را با توجه به میراث مشترک فی ما بین آن‌ها به جود آورد می‌توان امید داشت نسل تعامل‌گر (جوانان)، امروز همانند نسل جوان اروپا در دوره سالمندی نیز از هم‌گرایی منطقه‌ای و صلح حمایت کنند. بنابراین:

- در عصر پسامدرن بازیگران اصلی همگرایی و صلح "مردم" خواهند بود. آنان هستند که دولت بر می‌گزینند و نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی را شکل می‌دهند و بر کار دولت نظارت دارند. همان‌طور که دویچ و اتزیونی بیان داشته‌اند، البته مردم در اثر الگوهای ارتباطات انسانی یاد می‌گیرند که خود را اعضای یک جامعه تلقی کنند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۶۷)، و موفقیت در هم‌گرایی به توانایی مردم در درونی‌سازی فرآیند هم‌گرایی بستگی دارد (همان، ۱۳۸۸: ۶۷۰). از این منظر، گردشگری به عنوان نیرویی پرقدرت برای بهبود روابط و تفاهم منطقه‌ای بستر مناسبی برای چنین الگوهای ارتباطات انسانی، تعامل و درونی‌سازی خواهد بود.

- و از میان مردم، "جوانان" مستعدترین گروه‌های سنی برای تعامل به شمار می‌روند. آنان در بستر فعالیت "گردشگری" و با تکیه بر تجربیات جهانی از الگو طرح دوستی (فرانکو-ژرمن)، همزیستی مسالمت‌آمیز را تجربه خواهند کرد. در این رویکرد، مردم (جوانان) به صورت عامل یا کنش‌گر ظاهر می‌شوند. آن‌گاه امید می‌رود، صلح از طریق گردشگری بین نسلی استمرار یابد.

## منابع

- ایو لاکست. (۱۳۶۸). مسائل ژئوپلیتیک : اسلام، دریا، آفریقا. (ع. آگاهی، مترجم) تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، ابراهیم (۱۳۹۵)، <گردشگری و کاهش فاصله فرهنگی > اخبار، (آخرین باز نگری <http://www.akhale.ir/>، ۱۳۹۶/۱۲/۲۳).
- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۸۸). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل. ترجمه: بزرگی، وحید. طیب، علیرضا. چاپ پنجم، نشر قومس، تهران.
- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۷۹). نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل، مبانی و قالب‌ها، انتشارات سمت، تهران.
- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۴). نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی-جهانی شده: مناسبت و کارآمدی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی: تهران.
- عزتی، ع (۱۳۷۳)، ژئواستراتژی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- قوام، عبدالعلی و سیداحمد فاطمی و سعید شکوهی (۱۳۹۰)، نظریه‌ی روابط بین‌الملل، پیشینه و پشم‌انداز، انتشارات قومس، تهران.
- محبوب‌زاده و فرامرزی یآوری (۱۳۶۲)، گیتاشناسی کشورها، چاپ دوم، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
- مشیری، حمیرا (۱۳۸۵)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، انتشارات سمت، تهران.
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۶). سازمان‌های بین‌المللی. چاپ هشتم، نشر میزان، تهران.
- مهرنامه، ماهنامه‌ی علوم انسانی (۱۳۹۳)، مذاکره بین دو انقلاب، سال پنجم، شماره ۳۹، صفحات ۷۱-۵۴، تهران.
- میرزایی ینگجه، سعید (۱۳۷۳). تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی: تهران
- UNWTO Tourism Highlights. The World Tourism Organization (UNWTO) (۲۰۱۵).
- Anastasopoulos, P. (۱۹۹۲). Tourism and attitude change Greek. *Annals of Tourism Research*. ۶۴۲-۶۲۹ ,
- D'Amore, L. (۱۹۸۸). Tourism — a vital force for peace. *Tourism Management*. ۱۵۴-۱۵۱ ,
- D'Amore, L. (۱۹۸۸). Tourism-The World's peace industry *Journal of Travel Research*. ۴۰-۳۵ ,
- Defrance, C & Pfeil, U. (۲۰۱۳). *Le Traité de l'Élysée et les relations franco-*

allemandes .Paris: Histoire de la recherche contemporaine.

- Etter, D .(۲۰۰۷) *Situational Conditions of Attitude Change within Tourism Settings: Understanding the Mechanics of Peace through Tourism* .IIPT Occasional Paper No. ۱۱ CAUTHE (Council for Australian University Tourism and Hospitality Education).
- Goldner, C .(۱۹۸۹) .Tourism: A Vital Force For Peace *Journal of Travel Research* , ۱۶۸-۱۶۶
- Hall , C. M .(۱۹۹۴) .*Tourism and politics policy, power and place* .London: Wiley.
- Hobson, J. S & ,Ko, G .(۱۹۹۴) .Tourism and politics : the implications of the change in sovereignty on the future development of Hong Kong's tourism industry *Journal of travel research* ۲-۳۲ ,
- Kim, S. S & ,Prideaux, B .(۲۰۰۳) .Tourism, peace, politics and ideology: impacts of the Mt. Gungang tour project in the Korean Peninsula .*Tourism Management* ۶۸۵-۶۷۵ ,
- Krotz, U .(۲۰۰۲) *Structure as Process: The Regularized Intergovernmentalism of Franco-German Bilateralism* .Minda de Gunzburg Center for European Studies, Harvard University.
- Leitner, M .(۱۹۹۹) .Promoting Peace Through Intergenerational Tourism *Tourism Recreation Research* ۵۶-۵۳ ,(۱)۲۴ ,
- Litvin, S .(۱۹۸۸) .Tourism: The World's Peace Industry ?*Journal of Travel Research* , ۶۶-۶۳ ,۳۷
- Mackinder, H. J .(۱۹۰۴) .The Geographical Pivot of History *The Geographical Journal* ۴۳۷-۴۲۱ ,
- Manfrass-Sirjacques, F .(۱۹۹۲) *Deutschland-Frankreich-Europa-USA. Die Verlagerung der Gewichte und das französische Tauziehen* .dokumente- documents: [http://www.dokumente-documents.info/uploads/tx\\_ewsdokumente/DOKAnalyse۱۹۹۲\\_۴.pdf](http://www.dokumente-documents.info/uploads/tx_ewsdokumente/DOKAnalyse۱۹۹۲_۴.pdf)
- Pizam, A ,Jafari, J & ,Milman, A .(۱۹۹۱) .Influence of tourism on attitudes: US students visiting USSR *Tourism Management* ۵۴-۴۷ ,
- Riegert, B .(۲۰۱۳) .Deutsche Welle: <http://www.dw.com/en/in-brief-what-is-actually-in-the-elysee-treaty/a-۱۶۵۲۰۲۶۶> .بازیابی از (۲۲ ۰۱ ,۲۰۱۳)
- Südhölter, T .(۲۰۱۴) *The Franco-German relationship - the engine of European integration* .Osnabrück: University of Twente/ University of Münster.
- Woyke, W .(۲۰۰۴) *Deutsch-französische Beziehungen seit der Wiedervereinigung: Das Tandem fasst wieder Tritt* .Wiesbaden: VS Verlag für Sozialwissenschaften.